

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

ش. آهنگر
۲۷ مارچ ۲۰۱۷

برگی از تاریخ... جنبش ۲۴ حوت هرات- قسمت اول

علل و عوامل و پس منظر تاریخی آن

در آستانه بیست و چهارم حوت هستیم. سال ها قبل در شهر هرات در همین روز مردم قهرمان آن ولایت حرکت جسورانه ای انجام دادند. که برخی آن را نقطه عطفی در انقلاب می خوانند. برخی دیگر شیپور مرگ رژیم دست نشاندۀ خلق – پرچم نامش می نهند. به نظر من هر دو آن درست است و جای دارد که این روزخونین را همیشه زنده نگهداریم و بر روح پاک شهدای بی کفن این روز و کلیه شهدای راه آزادی وطن درود بفرستیم.

و اما در مورد علل و عوامل ونحوه ایجاد حرکت، عملکرد مردم در آن، پس منظر تاریخی حرکات توده ئی مردم در هرات، نقش نیروهای سیاسی در آن، اثرات و پیامدهای جنبش ۲۴ حوت در حوزه غرب و در مجموع کشور و ... دیدگاه های متفاوتی طی این بیست و هشت سال ارائه شده که در برخی از آن ها اشتباهات و ناآگاهی هائی تبارز کرده است.

نگارنده یکی از شاهدان عینی آن روز هستم که تا حدی از چند و چون آن آگاهی دارم و به همین دلیل برخی از نظرات در این مورد برایم عجیب است. در اینجا می گویم به چند نکته اشاره داشته باشم و امیدوارم بتوانم در روشن شدن قضیه به نسل های امروزین کمکی کرده باشم. در قسمت اول نوشته مختصراً به برخی علل و عوامل عمده اشارتی می کنم و نگاهی خیلی گذرا هم به پس منظر تاریخی آن خواهم داشت. در بخش بعدی تأثیرات و پیامدهای جنبش ۲۴ حوت و برخورد نیروهای مختلف را به آن بررسی خواهم کرد. و اما قبل از همه باید به عرض برسانم که:

اولاً حرکت مردم هرات در تاریخ ۲۴ حوت ۱۳۵۷ شمسی اتفاق افتاده و نه آن طور که در بعضی نشرات دیده می شود در ۲۴ حوت ۱۳۵۸ ش. لذا این حرکت از جنبش سوم حوت ۱۳۵۸ ش در کابل تقریباً یک سال پیش تر است. بناءً درست است که بگوئیم حرکت ۲۴ حوت ۵۷ ش هرات آغاز یک دوران نوین در انقلاب، و مردم قهرمان وجانباز هرات طلایه دار این آغاز خونین هستند. دوستانی که آن را تداوم و یا تکامل سوم حوت کابل می خوانند در اشتباه اند بلکه عکس آن واقعیت دارد. یعنی حرکت سوم حوت کابل تداوم و تکامل ۲۴ حوت هرات است.

دوم این که حرکت ۲۴ حوت ۵۷ ش در هرات قبل از تجاوز و لشکر کشی مستقیم روس ها به افغانستان صورت گرفته است و جنبشی است به ضد رژیم وابسته و مزدور خلق – پرچم. یعنی مردم هرات در مقابل غلام بچگان روس چنین شوریدند. چه، روسها به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ ش یعنی ده ماه بعد از حرکت ۲۴ حوت هرات به افغانستان لشکر

کشی کردند. در بسیاری از آثار و اسناد نشر شده گفته می شود که ترس از جنبش ۲۴ حوت هرات، حاکمان خلقی – پرچمی را به تب لرزه مرگ انداخت و آن ها از روس ها خواستار مداخله ای مستقیم در دفاع از حاکمیت پوشالی خود و سرکوب خلق کشور ما شدند. درهمین ارتباط بود که برای جلب حمایت ارباب، خیلی بیشمارانه و با وجدان لجن آلود خود شورش به حق ضد بیگانه پرستی پابرهنگان هریوا زمین را تحریک بیگانگان خواندند. و این کمال وطنفروشی خلقی – پرچمی ها و اوج انتقام گیری شان از مردم هرات است.

سوم این که علی رغم موجودیت پشتوانه تاریخی جنبش های توده ئی در هرات این حرکت در کلیتش محصول کارسیاسی و تدارکی هیچ گروه و یا تنظیمی نیست. هرگونه ادعای سازمان دادن به این حرکت یا موجد بودن، از طرف هر که باشد، ادعای ناموثق و گزافه گوئی است. افسانه سازی های فتوای این و آن در به وجود آمدن حرکت ۲۴ حوت هرات کلام های فریب کارانه ایست که خود فروشان بازار مکاره سیاست خود را با آن به بازار عرضه می کنند. این حرکت در کلیتش یک حرکت خود جوش مردمی فقیر بود که مشکلات زندگی شان از حد گذشته ولی به جای رسیدگی به مشاكل شان از کودتاگران ثوری توهین به ارزش ها و مقدسات خود دریافت می کردند. چنین وضعی خشم مردم را برانگیخته و آنها را وارد میدان ساخته بود. بناءً هیچ کس قادر به کنترل و سمت دهی و بهره برداری از آن در همان روز نبود. در اواسط روز فقط عده ای تفنگ دار روستائی که در میان شان برخی لومپن های معروف نیز دیده می شدند، تبارز بیشتر کردند. عده ای از روشنفکران و یا باسوادان متمایل به سیاست های چپ و یا راست در متن آن چون قطره در دریا برده می شدند، نه این که جلودار یا رهبر آن باشند. شرح بیشتر آن را در سطور بعدی خواهید خواند.

با این حال هیچ حرکتی بدون علت و عوامل و ریشه ای در گذشته به وجود آمده نمی تواند. جنبش افتخار آفرین ۲۴ حوت هرات نیز ریشه تاریخی و علل و عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را دارد. در این جا اشارتی کوتاه به آن میکنیم:

۱- عامل اقتصادی :

افغانستان کشور عقب نگهداشته شده و تقریباً ایستانی بوده که نظام های حاکم به جای پیشرفت و ترقی بر مردم آن فقر، گرسنگی، استبداد، جهل، بیسوادی، مرض و بلاهانی از این قبیل را تحمیل کردند. کشور ما در زیر سیطره سلطنت در ابتدائی ترین سطح زندگی عصر و زمانه قرار داشت و مردم فقط با یک زندگی بخور و نمیر با مرگ تدریجی دست و پنجه نرم می کردند.

خلقی – پرچمی ها قبل از رسیدن به قدرت برای مردم وعده وعیدهای فراوان از تریبون های دست داشته ای شان داده بودند و با رسیدن به قدرت توسط اربابان شوروی شان این وعده وعیدها چند و چندان شد و با شعارهای میان تهی " کور، کالی، دودی " (مسکن، لباس، نان) توقعات مردم را بلند بردند. اما همین که در کرسی های پوشالی قدرت تکیه زدند، به جای خدمت به خلق، به غارت و چپاول هستی مردم و سرکوب و توهین خلق شروع کردند. دستاورد پرطمطراق کودتاگران بی آرم ثوری فقط صدور چند فرمان بی سروته و بی پایه و بی زمینه است که هرگز به تطبیق آن نه اقدام سالم عملی کردند، نه می کردند و نه هم توفیق آن را یافتند. بناءً وضع اقتصادی مردم روز تاروز بدتر می شد. کشیدن مردم از کار و روزگار و سوق دادن شان به تظاهرات نمایشی به مناسبت های مختلف، مردم را از لقمه نان بخور و نمیری که از کارشان به دست می آوردند هم محروم ساخت. علاوه بر فرمان به اصطلاح اصلاحات ارضی بدون مساعد ساختن زمینه های عینی و ذهنی آن در جامعه و تهیه و تدارک امکانات عملی آن، به جای کمک به دهقانان آنان را از کشت و کار بازداشت و میلیون ها دهقان را به بیکاری و بی روزگاری و دریک جنجال بی نتیجه، نابرابر و بی پشتوانه با زمینداران سوق داد و فقر و گرسنگی بیشتری را دامنگیر شان کرد. بحث

مفصل و تحلیلی روی مشاغل اقتصادی که کودتاگران ثور بر مردم ما تحمیل کردند از حوصله این نوشتار مختصر بیرون است. نتیجه خلاصه عملکرد حاکمیت ثوری چنین بود که به منافع کلیه گروه ها و لایه های اجتماعی ضربه زد و آن ها را کاملاً از خود رانده و در تقابل خود قرار داد. فقط به یک مشت افراد عقده نی حزبی و اقشار لومپن و اوپاش جامعه تکیه کرد که آنها هم روز تا روز با عملکردهای وحشیانه خود و چور و چپاول و تجاوز به مال و جان مردم دشمنی مردم را با حاکمیت کودتاچی " ثوری " بیشتر و بیشتر می ساختند. تا آنجا که کاسه صبر مردم لبریز شد و در ولایات مختلف حرکات اعتراضی ضد کودتاگران مزدور ثوری تبارز کرد که نقطه اوج آن حرکت جسورانه و خود گذرانه مردم قهرمان هرات در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش است. این جنبش برای همیشه به حاکمیت ضد انقلابی، ضد ملی و ضد مردمی کودتاگران ثور و اربابان شوروی شان مهربلان زد و آن را با خون بیش از بیست هزار قربانی ثبت کتبی خارن این تاریخ ساخت. افتخار این حرکت جانبازانه برای دلیر فرزندان هریوا زمین، اعم از زن و مرد، جاودانه پایاست و ننگ سرکوب آن و ریختن خون آن بی گناهان به طور نازدودنی در دامن کثیف خلقی - پرچمی ها تا ابد باقی است.

۲ - عامل سیاسی - نفرت مردم از بیگانه پرستی خلقی - پرچمی ها :

این ویژگی در مردم افغانستان به قول معروف " با شیراندرون شده با جان بدرشود ". "مردم قهرمان هرات نیز که چون سایر فرزندان دلباخته وطن هرگز به هیچ بیگانه ای و تحت هیچ نامی سرخم نکرده اند و از رشد فرهنگی - سیاسی نسبی برخوردارند، از هرگونه بیگانه متجاوز و بیگانه پرستی نفرت دارند. هراتیان مخصوصاً به ماهیت برده منشانه و اهداف شوم حزب دموکراتیک خلق (خلق و پرچم) از سالهای دهه چهل شمسی به ویژه سالهای ۴۷ و ۴۸ ش توسط حلقه ای از روشنفکران خود بیشتر آشنا ساخته شده بودند. تأثیر گسترده این روشنفکران در هرات به حدی بود که هم سلطنت، هم خلقی - پرچمی ها و هم اخوانی ها هم زمان، هر، هراتی مخالف خود، اعم از متعلم، محصل، معلم، مأموردولت، دکاندار، روحانی و ملا امام مسجد را " شعله نی " می گفتند و با آن به حیث یک حریف سیاسی ساخته و پرداخته خود برخورد می کردند. از چهره های سرشناس این محفل می توان از شهید استاد عبدالاله رستاخیز، شهید نعیم ازهر، شهید انجینر قدوس ماما، شهید کریم (چهره مردمی و سرشناس هراتی ها)، شهید ماما غلام محمد، شهید انجینیر حفیظ، شهید استادسلطان احمد، شهید استاد قدوس کارمند، شهید انجینر رحمان منصوری، شهید استاد واجد، شهید محمد آخند زاده، شهید داکتر ایوب نیزک، شهید آصف (برقی) و ده ها قهرمان دیگر نام برد. که عده شان را خلقی - پرچمی ها از همان اولین روزهای کودتای ثورانتقام جویانه به زندان ها انداخته و بعد از شکنجه های فراوان به دست جنایت کاران خلقی - پرچمی و اربابان روسی شان به شهادت رسیدند و عده ای هم در جریان مبارزات مسلحانه و غیرمسلحانه بعدی در سنگر آزادی وطن و هموطن شان سرفرازانه جاتباخته اند.



شهید غلام محمد



شهید کریم



شهید ازهر



شهید ع. رستاخیز

این جانبختگان و عده ای دیگر از رهروان راه این قهرمانان که نقش های برجسته ای در جنبش داشتند، چهره کریه باند خلق و پرچم و ماهیت کودتای ثور رابه مردم هرات شناسانده بودند. عملکرد خلقی -پرچمی ها به آن شناخت، پایه عینی و اثباتی داد. بناءً نفرت مردم هرات از کودتای ثور و " ثوریان "ریشه سیاسی نسبتاً تاریخی و آگاهانه داشته تا این که در روز ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش این نفرت را با خشم زایدالوصفی تبارز دادند .

۳ - عامل فرهنگی : برخورد های نابخردانه و تجاوز به ارزش ها و نوامیس ملی، فرهنگی و دینی مردم:

خلقی - پرچمی ها که هرگز نتوانسته بودند طی ده سال در هرات به عنوان یک نیروی چشمگیر تبارز کنند، نسبت به هرات و مردمش عقده مند شده بودند. چنان که حفیظ الله امین در یک سخنرانی اش گفته بود " :تا ما هرات را پاک نکنیم و ریشه شعله نی ها را در آنجا نخشکانیم اهداف انقلاب ثور را در افغانستان پیاده کرده نمی توانیم ."هم چنان در جریان بمباردمان هرات به تاریخ ۲۴ و ۲۵ حوت خلقی - پرچمی های بی آرم از پشت مکروفون های مسجد جامع هرات که توسط بلندگوی از گلدسته ها (مناره ها)ی مسجد جامع به سرتاسر شهر پخش می شد، با وقاحت و بیشرمی اعلان می کردند که " ما مردم هرات را به کار نداریم، هرات را به تلی از خاک مبدل می کنیم " و ...این عقده مندی ها سبب شد که نابخردان خلقی - پرچمی در هرات خشن تر و عجولانه تر عمل کنند، تابه آرزوی دیرینه شان که تسلط بر هرات بود برسند. در راستای این هدف شان از موضع قدرت به تعرض به ارزشها، اعتقادات و نوامیس مردم و توهین و به زندان انداختن هراتیان، اعم از روشنفکر، روحانی، ریش سفیدان، زنان و خلاصه تعرض و توهین به مجموع هستی مادی و معنوی مردم هرات در شهر و روستا پرداختند. این برخورد نو به دوران رسیده های خلقی - پرچمی نیز عاملی شد که مردم هرات یک دست و یک پارچه به دفاع از حیثیت، نوامیس و اعتقادات خود مانند دفعات قبل به حرکت درآیند و در ۲۴ حوت، شهر و روستای شان را از لوٹ پلید خلقی - پرچمی ها پاک بسازند .

جنبش ۲۴ حوت ۵۷ ش اولین حرکت توده نی مردم هرات نیست. هرات طی یک دهه (۴۷ تا ۵۷ ش) جنبش های متعددی در خود داشته که از آن جمله دو حرکت گسترده مردمی یک پارچه در آن به روزهای فراموش ناشدنی بدل شده اند و به حق پشتوانه و پس منظر تاریخی ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش به شمار می آیند.

پس منظر تاریخی جنبش مردمی در هرات :

باید به عرض برسانم که مردم هرات در مقاطع مختلف زندگی در برابر ظلم و فشار حاکمیت های مستبد صدای شان را بلند کرده و به اعتراض دسته جمعی دست زده اند. یعنی اعتراض علیه ظلم و استبداد سنت پسندیده هراتیان است .

از گذشته های دور و یا حتی مثلاً از حرکت معروف به جنبش حاجی مختار و یا اعتراض جمعی مردم هرات در برابر سردار هاشم خان صدراعظم و دواندن آن تا به بیرون شهر که بگذریم؛ می توان از اعتراض مردم در مقابل استبداد و بی عدالتی حکام وقت در سال ۱۳۴۸ ش یاد کرد. در این سال که جنبش دموکراتیک اعتراضی به شکل تظاهرات خیابانی سرتاسر کشور را فرا گرفته بود. در هرات نیز حرکت از مدرسه دینی فخر المدارس در اعتراض علیه حق تلفی، اختلاس و ضعف اخلاقی مدیران مدرسه که مربوط یکی از خانواده های اشراف به اصطلاح روحانی بود، آغاز شد. مقامات حاکمه به جای رسیدگی به شکایات طلاب مدرسه، توسط پولیس به سرکوب آن پرداختند. شاگردان بی پناه فخر المدارس هم برای جلب کمک به متعلمین مکاتب مراجعه کردند که به پاسخ مثبت متعلمین مواجه شده و این حمایت به ایجاد یک حرکت گسترده انجامید. در این تظاهرات بود که چهره های نامداری چون کریم و غلام محمد تبارز کردند و با منطق رسا و سخنرانی های غرای شان حمایت همه جانبه مردم را با حرکت خود کمائی نمودند. این تظاهرات چندین روز

ادامه پیدا کرد. روز دهم سرطان سال ۱۳۴۸ش که پولیس به شکل وحشیانه بر تظاهرات مسالمت آمیز متعلمین حمله کرد و فرزندان مردم را به خون کشید، مردم هرات یکپارچه به حمایت از فرزندان خود برخاسته و پولیس را تا مرکز قوماندانی امنیه دواندند.



مقامات حکومتی در آن روز به حدی از مردم ترسیده بودند که ۴۸ ساعت از پنهان گاه های شان بیرون نمی آمدند. در این روز حرکت مردم چنان منظم و از طرف سازماتدهندگان تظاهرات زیر کنترل بود که ظرف ۴۸ ساعت حاکمیت مردم در تمام شهرکوچک ترین بی نظامی صورت نگرفت و حتی به ذره ای از اموال مردم و دکان هانی که بازمانده بودند زیانی نرسید. خبر کنترل حاکمیت مردم در شهر هرات همان زمان از رادیوی BBC و رادیوهای دیگری پخش شد. این جنبش به حق بعداً با نیرنگ و زور سرکوب گردید. ده ها انسان حق خواه از متعلم و محصل تا مأمورین و معلمین و اهل کسبه، مولوی و امام مسجد به نام شعله نی زندانی شدند و بیشتر از ۱۰۰ سال زندان مجموعی بر آن ها تحمیل شد. مقاومت و پایداری در زندان و دفاعیه های مستدل و محکم این مبارزین مردم به حیث اسناد افتخار مبارزاتی آن پُرّه از زمان ثبت تاریخ جنبش گشته است. در همان سال استاد رستاخیز که در زندان دهمزنگ کابل به سر می برد این روز را با شعری استقبال و توصیف کرد، چند مصرعی از آن زینتبخش این صفحه می کنم.

"پیک توفان قاصد آمل خلق

می رسد رزمنده از مرز کهن

...

باز می گوید به گوشم

قصه هائی از هریوا

...

اینک اینک باز اندر صبحگاهی این چنین روشن

خلق تاریخ آفرینش

انقلابی توده شاهین مزاج تیز بینش

مست و توفان خیز می آید به پیش

می زداید از رخ او گرد حرمان

باز می جوشد هریوا

باز می جنبد هریوا

باز می جوشد هریوا

درخروشان رودبار انقلاب توده ها

باز می بندد به توفان دل هربوا

باز... باز..."

هکذا در بهار سال ۱۳۵۱ ش آنگاه که خشکسالی با تشدید بلای فقر و گرسنگی به عده ای زیادی مردم بلاکشیده ما مرگ را همراه آورده بود و به خاطر نبود یک لقمه نان صدها و هزاران انسان جان خود و فرزندان شان را از دست دادند، موج اعتراض مردم هرات همگانی شد. در آن روزگار سختی که مردم جگر گوشه های شان را برای این که زنده بمانند به دیگران واگذار می کردند .

آری !در آن لحظات سخت زندگی مردم، در زیر سایه سلطنت، حکمرانان زمان که از هرگونه تنعمی برخوردار بودند، برای حفظ ما تقدم و سود بیشتر خود حیوان منشرانه دروازه های گدام های غله را بسته و بر آن محافظ مسلح گماشته بودند و نه تنها به مردم محتاج در حال مرگ حتی در بدل پول به نرخ روز گندم نمی دادند که آن را بیشرمانه احتکار می کردند. علاوه بر این ستمگران حاکم در جلوه کاذبی اعلان کردند که حاضرند در بدل کار به مردم گندم بدهند. مردم حاضر شدند تمام روز را به شاق ترین کارهای جسمی تن بدهند و در بدل آن فقط چند کیلو گندم بگیرند تا از مرگ رهایی یابند. ولی مجریان امور سلطنت خدا داد افغانستان حتی در برابر کار یک ماهه مردم در هرات و نواحی آن نیز از پرداخت گندم خود داری کردند. این جاست که کاسه صبر مردم لبریز شد، فرزندان اصیل مردم نیز به کمک شان شتافتند وعده ای برای بسیج مردم به روستاها رفتند. بعد از یک هفته کار تدارکاتی و سازماندهی منظم به تاریخ دهم حمل سال ۱۳۵۱ ش گردانندگان "محفل هرات"، همان چهره های قابل اعتماد و پذیرفته شده در هرات، توانستند جنبش وسیعی را از تمام ولسوالی ها به طرف شهر سرازیر سازند. در آن روز نیز موج توده از روستاها به طرف شهر سرازیر شد. در آن روز نیز بیل و داس و چارشاخ و تبر ... دست های پرآبله مردم را زینت می داد و مردم خشمگینانه و به حق شعار مرگ بر دولت سومی دادند. فقط ویژگی آن روز این بود که پیش آهنگان مبارزه با کار تدارکی شان توانسته بودند آن جنبش را نظم بدهند و رهبری کنند. یعنی آن حرکت یک حرکت خودبه خودی نه، بلکه یک حرکت رهبری شونده با شعار ها و اهداف مشخص بود که توسط فرزندان آگاه، سربه کف و پاکباز مردم هدایت می شد و مردم نیز با شناختی که از آن ها داشتند، به آن ها اعتماد می کردند و رهبری شان را می پذیرفتند.

آری !طبق برنامه تظاهرکنندگان از هر طرف به سوی چوک شهرنو هرات که میعادگاه تعیین شده بود آمده و در آنجا مستقر شدند. سخنرانان همه درد دل مردم را بیان می کردند و با استقبال پر شور مردم مواجه می شدند.



نمایی از چوک شهرنو هرات

یک نکته جالب این روز به ستیز کشیدن وکلای پارلمان یا محاکمه شان در حضور مردم بود که علی رغم میل خود به زود بندها و عملکردهای ضد مردمی پارلمان و حکومت اعتراف کردند. چنین محاکمه ای در هیچ جای دیگر کشور سابقه ندارد.

جنبش طبق برنامه مقابل قومندانی امنیه متحصن شده و اخطار داد که "اگر همین امشب به مردم هرات گندم توزیع نشود و در ظرف ۴۸ ساعت به ولایات بادغیس، غور، فراه و نیمروز که بیشترین صدمه را از خشکسالی دیده اند، گندم فرستاده نشود مسوولیت عواقب ناگوار آن به دوش دولت خواهد بود." دولت مرتجع سلطنت که ضرب شست این مردم را در دهم سرطان سال ۴۸ ش چشیده بود، از این موج انسان های خشمگین ترسیده و عصر همان روز موترهای گندم را پیش روی قومندانی آورده و به مظاهره چپان سپرد که به شکل عادلانه آن توزیع شد. و همچنان در همان روز به ولایات همجوار نیز کاروان های گندم ارسال گردید.

جنبش دهم حمل ۱۳۵۱ ش به بازوی مردم و به رهبری خردمندانه استاد عبدالاله رستاخیز و یاران مبارزش (محفل هرات) پیروزمندانه به هدفش رسید و مردم با نظم خاصی به روستاهای شان با دست پُر برگشتند. این جنبش اولین جنبش توده ای در کشور ما بود که دور از هر نوع خواست روشنفکرانه با خواست و بازوی توده ها و رهبری روشنفکران پاکباز شان به هدف رسید. هراتیانی که اکنون سن و سال شان از ۴۰ سال گذشته است همه شاهد و مؤید آنچه در فوق گفته شد هستند. همه می دانند که ریشه کار سیاسی منظم در هرات به چه زمانی متعلق است و چه قربانی هایی در این راه داده شده است. هیچ هراتی قدر دان و با پاسی نمی تواند نام آن فرزندان مبارز و پاکباز نام آور دیارش را فراموش کند و نمی کند. در همین جا باید متذکر شوم که در تمام این جنبش های مردمی شیر زنان هراتی شانه به شانه مردان مبارزه کرده و افتخار آفریده اند و سخنوران چیره دست و کادرهای توانمندی هم تقدیم جامعه ساخته اند.

هرات در روزهای دیگری نیز شاهد حرکت یک پارچه مردمش به دفاع از حقوق حق شان بوده است که می توان از روز چهارم اسد سال ۱۳۴۸ ش که نقطه اوج آن در پیش روی قومندانی امنیه هرات بود یاد کرد. در این روز نیز اگر رهبری خردمندانه همان فرزندان مردم نمی بود، ماجراجویان وحادثه جویان حکومتی که دست های شان روی ماشه مسلسل ها گذاشته شده بود چندین بار کوشیدند بهانه ای به دست بیاورند و مردم را با رگبار سلاح دست داشته شان به خون بکشند. ولی رهبری مظاهره خردمندانه توطئه ها را خنثی می کرد.

به تاریخ ۳۰ میزان ۱۳۴۸ ش نیز مردم در دروازه قندهار به دور فرزندان خود گذرشان جمع شدند. درحین سخنرانی پولیس بر آن مظاهره بیرحمانه حمله کرد و جمعی را به خون کشید و سه نفر از رهبران آن را با ضرب و شتم باخود به زندان برد که سال ها رنج تبعید و زندان را استوارانه تحمل کردند.

این ها همه پس منظر تاریخی و یا ریشه های تاریخی حرکات دسته جمعی و موج آسای مردم هرات هستند و جنبش ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش از چنین یک ریشه و غنای تاریخی آب می خورد. اما خودبه خودی بودن آن در اینست که این جنبش با یک کار تدارکی و سازماندهی منظم وارد کار زار نشد و حضور عده ای تفنگ به دست نظم ناپذیر آن را از حیطة هرگونه رهبری خارج می کرد. اگر کسانی نا حق ادعای تدارک و رهبری آن را بکنند، باید مسوولیت خطیر قسمتی از آن خون های ریخته شده را هم بر عهده بگیرند. ولی واقعیت اینست که آن جنبش رهبری شده نبود. به طور مثال وقتی عده ای به طرف محبس هرات در حرکت شدند تا دروازه محبس را شکسته و زندانیان را رها سازند. اهداف خاصی را در نجات اقارب و یا دوستان شان دنبال می کردند. مردم از این قضیه بی خبر بودند. هنگامی که نزدیک محبس به سد محکمی از تانک و زرهپوش و مسلسل مواجه شدند هنوز تصمیم نگرفته مورد رگبار آدم کشان خلقی - پرچمی قرار گرفتند و عده زیادی به خون تپیدند. اینجا دیگر هیچ کس قادر نبود جلو خشم مردم را بگیرد و به فکر کم کردن

تلفات شود. مردم همچنان پیش می رفتند و وحشیان خلقی - پرچمی بیرحمانه آن ها را به خاک و خون می کشیدند. یا مثلاً در چوک پای حصار، مردم از طرف چارسوی شهر کهنه می آمدند و زرهپوش در مقابل شان پشت به دیوار مسجد پای حصار بالای شان رگبار می کرد و دسته دسته به خون می غلتیدند. حماسه یک وطندارما در این جا افسانه ئی است. جسورمردی دستارش را دورشکم خود بسته و بر مسلسل زرهپوش حمله برد، خود را به مسلسل رساند، ولی فقط جسد مشبکش روی میله مسلسل آرام گرفت. دیگر مسلسل چی بی رحم نمی توانست به سادگی میله سلاحش را به هرطرف دور بدهد، بناءً گوشه هائی از به اصطلاح سنگرش قابل نفوذ شد و مردم از همان خلا براو یورش بردند و کارش را ساختند. این صحنه حماسی نیز قربانی زیادی گرفت. (در زیر تصویر آن صحنه را می بینید.)



صحنه خونین کشتار مردم در پای حصار هرات در روز ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ ش

به همین ترتیب در دروازه قندهار و جاهای دیگر که برای شرح هریک از این حماسه ها و جانبازی های مردم باید کتاب ها نوشته شود. بعد از ظهر و به ویژه شب، بمباردمان شهر و مردم بی دفاع آن شروع شد که منجر به قتل هزاران انسان بی گناه گردید. شهر به قتلگاه مردم بی گناه بدل شد. حتی برشاخه های درختان نیز پاره های تن انسان دیده می شد. سرک ها به خون رنگین بود، آنچنان که باری سروده بودم:

هر وجب از خاک ما شد کربلا از هزاران بیش عاشورا به پا

و... صحنه ای بود که وصفش را هیچ وصف و مرثیه خوانی نمی تواند بدرستی بکند. بنگ و نفرین تاریخ بر عاملین خلقی - پرچمی این کشتار وحشیانه مردم برای همیشه باقی است. و هیچ کس حق ندارد عاملین چنین جنایات عظیمی را ببخشد.

تلاشی که در آن روز و فردای آن جهت رهبری جنبش و کم کردن تلفات صورت گرفت این بود که ما از یک عده صاحب منصبانی که در ارتباط ما بودند خواستیم که دو چاین (یا دوعراده) تانک در دسترس ما بگذارند تا از ستیشن رادیو ریلی هرات محافظت کند. شاید ما با تصرف رادیو ریلی بتوانیم از طریق بلند گوهائی که در سراسر شهر نصب است جلو تلفات را بگیریم و جنبش را به سمت بهتر رهبری کنیم. صاحب منصبان مذکور وعده این کار را دادند ولی در عملی کردن آن توفیق نیافتند و در عوض در فرقه عسکری دست به قیام زدند. عده ای از این صاحب منصبان خوشبختانه هم اکنون زنده هستند و آنچه من میگویم حتماً یاد شان است.

به تاریخ ۲۵ یا ۲۶ حوت شبنامه ای پخش شد که ضمن تمجید از مردم و محکوم کردن جنایت رژیم خلق – پرچم، از مردم خواسته بود به قیام کنندگان فرقه عسکری (زلمی کوت) نان و آذوقه برسانند و از عساکر و افسرانی که قیام کرده اند حمایت کنند. درعین حال از افسران قیام کننده خواسته بود که مردم را مسلح بسازند و خود نیز به مردم بپیوندند تا از تلفات ناشی از بمباردمان فرقه جلوگیری شود. این شبنامه مورد استقبال گرم مردم و صاحب منصبان و عساکر "شورش" قرار گرفت. عده ای از روشنفکران نیز به روستاها شتافتند و کاروان هائی از نان و غذا به طرف زلمی کوت روان شد و عده زیادی مردم نیز از فرقه عسکری سلاح گرفتند. پخش این شبنامه که در پای خود امضای "گمنام" (گروه مبارزین نجات افغانستان – م) را داشت، باز هم به همان ریشه برمی گردد و به ابتکار و توسط همان "محفل هرات" صورت گرفته است. اگر کسی کتمان حقیقت نکند، عده ای زیادی در آن روزها آن شبنامه را دیده و خوانده اند و براین حقیقت صحه می گذارند. با این حال صادقانه اعتراف می کنیم که ما در تناسب جنبش ۲۴ حوت ۵۷ ش مثل قطره در دریا بودیم، نه تشکل ما و نه هیچ نیروی متشکل دیگری در رهبری آن جنبش عظیم قرار نداشت. عظمت جنبش ۲۴ حوت هرات بالا تر از آن بود که در حیطه سازماندهی و رهبری تشکلات آن زمان بگنجد. لذا هرگونه ادعای سازماندهی کردن و رهبر بودن در آن روز به باور آنانی که آن روز را دیده اند، نمی گنجد. پیدایش تنظیم ها و گروه های جهادی و جبهات چریکی روستائی و شهری در هرات و در مجموع حوزه غرب، حتی باز کردن دفاتر تنظیم های جهادی در ایران از پیامدهای حرکت ۲۴ حوت ۵۷ ش هرات به حساب می آیند که صاحب این قلم نیز در سازماندهی و عملکرد قسمتی از آن نقش ناچیزی داشته است و به شرح آن خواهد پرداخت.

هكذا اثرات و پیامدهای حرکت ۲۴ حوت در سطح کل کشور بسیار بزرگ و رنگارنگ است و پرداختن به آن کار و فرصت بیشتری را می طلبد که در بخش های بعدی به آن خواهیم پرداخت. و اما شعری را که به همین مناسبت سروده شده و در نشریه "حوت خونین" در سال ۱۳۵۹ ش در هرات نشر شده پایان بخش این قسمت نوشته می سازم.

غوغای خروشان

نوای آخرین ماه زمستان است

و ماه حوت گریان است

دو سه روز دیگر هنگامه رفتن به پا دارد

زمستان می رود تا ره گشاید بر بهار نو

و روز بیست و چار حوت

ابر و باد و باران غرش و قهری دگر دارد

زمین گریان، زمان گریان

ز جور خلق و پرچم جمله نالان است.

ولی امروز شهر ما

سرود رزم می خواند

هرات قهرمان یک بار دیگر حاکم تاریخ می گردد

و با فریاد خون

با نعره آزادی یا مرگ

بر دژخیم دوران یورش مردانه می آرد.

هریوا باز در خون می کند جولان

سلحشوران، دلیران
از تمامین روستاها
سوی شهر رزم آهنگ سفر دارند
تا آن دشمن دهن همت مزدور را
با خون پاک خویش بردارند
وطن گویان وطن گویان
و هم الله اکبر بر زبان
با دست خالی
با دلی سرشار از ایمان به آزادی
به تانک و توپ دشمن حمله آوردند.
و دشمن با قساوت
با دلی آکنده از کین
و مست از باده ای کز بارگاه اجنبی خورده
به روی خلق زحمتکش
به توپ و تانک و رگبار مسلسل می کند آتش
صدای غرش بمب افکن و طیاره از هر سو
فضای شهر را درخود همی پیچد
جوانان دسته دسته غرق در خون می شوند
تا بیری آزادی و آزادی را
بر فراز شهر خود بالا نگهدارند.
و روح و پیکر حزب پلید "خلق" را
بر قلب سرد خاک بسپارند.
و با دندان و چنگ و داس و بیل و مشت کوبنده
به فرق دشمنان این وطن یک دم فرود آرند.
آری !
آری، دلیران هریوا
شیرمردان زمان
چون گُرد میدان
روز را روز قیام و
شهر را شهر شهادت ساختند و
درس مردی و شهامت را
نگار دفتر زرین تاریخ وطن کردند.
خروشان باد این غوغا
شتابان باد این زورق

به سوی ساحل پیروزی فردا .

هرات ، ۲۴ حوت ۱۳۵۹ ش

برگرفته از کتاب " افغانستان دیروز ، امروز و فردا " ، ص ۱۱۳ - نگارش : ش . آهنگر

۱۳ مارچ ۲۰۱۷